

میرزا علی اکبرخان مزین الدوله*

(نقاشباشی)

مهرداد مزین

طی حکومت قاجار چندین گروه دانشجو از طرف مقامات دولتی برای تحصیل علوم و هنر اروپا به کشورهای غرب فرستاده شدند. یکی از این دانشجویان میرزا علی اکبرخان مزین الدوله، دانشمند و هنرمند قرن پیش بود که طبق مقاله‌ای که انجمن تاریخ به چاپ رسانید «از پیشگامان فرهنگ و هنر نوین ایران می‌باشد ولی متأسفانه قدر زحمات ارزنده وی مجهول مانده است.» چون زندگی نامبرده از لحاظی با دیگر دانشجویانی که در این مدت ارمغان هنر و دانش را به ایران آوردند شباهت دارد، مختصری از حوادث زندگی وی را که از میان اسناد و مدارک چاپ شده و خاطرات خانوادگی جمع‌آوری شده است ذیلاً درج می‌نماییم.

پیش از تاج‌گذاری آقا محمدخان و به سلطنت رسیدن ایل قاجار (۱۲۰۰ ق / ۱۷۸۶م)^(۱)، دلیل مسافرت ایرانیان به کشورهای خارجی بیشتر به منظور تجارت

* یغما، سال ۲۵، شماره ۸، آبان ۱۳۵۱، صص ۴۹۰ تا ۴۹۴.

یا انجام تکالیف مذهبی بود تا تحصیل دانش و مطالعات علمی. حتی تا اوایل دوره اجاریه روابط علمی ایران با کشورهای اروپایی به دلیل دوری راه و نبود وسیله سفر و مشکلاتی که دو امپراطوری روسیه و عثمانی فراهم می‌کردند کار آسانی نبود. بالاخره در دوران سلطنت دومین پادشاه قاجار فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲/۱۷۹۷-۱۸۳۴)، کمبودهای داخلی و بخصوص تعرضات روسیه تزاری و شکستهایی که نصیب ایران شد، عباس‌میرزا ولیعهد (پسر فتحعلی‌شاه) و وزیر قابل وی میرزا عیسی فراهانی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام^(۲) را به فکر انداخت که با اعزام محصل به خارج عقب‌ماندگی‌های ایران را در علوم و هنر جدید جبران کنند. بدین دلیل در سال ۱۸۱۱/۱۲۲۶ در حین جنگ با روسیه دو نفر برای تحصیل به کشور انگلستان اعزام شدند. مجدداً به تاریخ ۱۰ جمادی‌الآخر ۱۸۱۵/۱۲۳۰ اولین گروه از دانشجویان ایرانی که پنج تن بودند به دستور عباس‌میرزا و به ریاست سرگرد داریسی (Major Joseph d'Arcy) که بعداً در ایران به قونولل معروف شد به انگلستان اعزام شدند و در اوایل سال ۱۲۳۵/۱۸۱۹ به ایران مراجعت کردند.

دومین گروه محصلین اعزامی نیز پنج تن بودند که در دوران سلطنت محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰/۱۸۳۴-۱۸۴۸) به فرانسه اعزام گردیدند. این گروه که به دستور محمدشاه فرستاده شده بودند و شاه به تحصیل و ترقیشان امید فراوان داشت، نسبت به گروه اعزامی دوران فتحعلی‌شاه از لحاظ موفقیت در درجه دوم بودند و در سال ۱۸۴۸/۱۲۶۴ پس از مرگ محمدشاه و شروع انقلاب فوریّه فرانسه، قبل از این که فرصت کافی برای ادامه تحصیل داشته باشند به ایران مراجعت کردند.^(۳)

هفت سال پس از تأسیس دارالفنون که درحقیقت اولین دانشگاه ایران و منشأ تحوّل فکری، علمی و ادبی و محل تربیت بزرگترین رجال فرهنگی دوره اواخر دوران قاجار بود سومین گروه رسمی و بزرگترین دسته از دانشجویان ایرانی در دوران سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴/۱۸۴۸-۱۸۹۶) برای تحصیل به فرانسه اعزام شدند. این عده متشکل از ۴۲ تن جوان قابل و نجیب‌زاده بودند که به پیشنهاد فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری کاشانی^(۴) و به ریاست عبدالرسول‌خان (نوه حاجی محمدحسین‌خان صدر اصفهانی، صدر اعظم فتحعلی شاه)، به تاریخ ۶ رمضان ۱۲۷۵/۱۸۵۹ به خارج فرستاده شدند. سرپرستی عالیه آنها با حسنعلی‌خان گروسی امیرنظام بود که تقریباً یک ماه زودتر به سمت سفیرکبیر در فرانسه عازم آنجا شده بود و یک هفته پس از ورود شاگردان به پاریس آنها را به حضور ناپلئون سوم پادشاه فرانسه معرفی نمود. این محصلین عموماً پس از ۵ تا ۹ سال به تحصیلات خود خاتمه دادند و به ایران مراجعت کردند و عده‌ای از ایشان به مقامات عالی رسیدند و خدمات بزرگی انجام دادند. و طبق نظر دکتر عیسی صدیق، بیشتر نهضت فکری ایران به دست آنها صورت گرفت و پیشرفتهایی که در فرهنگ جدید حاصل شد به واسطه مقدماتی است که آنها آماده کردند^(۵) [و باعث شدند که فرهنگ و زبان فرانسوی تا دوران سلطنت رضاشاه در ایران ارجحیت داشته باشد، علی‌رغم نفوذ سیاسی به‌مراتب بیشتر انگلیس و روس].

از این عده اشخاصی که بیشتر معروف شدند و «در وارد کردن فرهنگ و تمدن جدید غرب نقش مؤثر داشتند» عموماً اشخاص زیر را اسم برده‌اند:^(۶)

میرزا کاظم محلاتی معروف به شیمی، میرزا محمود محمودی مشاورالملک، زین العابدین خان غفاری شریفالدوله، میرزا نظامالدین غفاری مهندسالممالک و میرزا علی اکبرخان مزینالدوله.

میرزا علی اکبرخان مزینالدوله (پسر میرزا حسین خان کاشانی از ملاکان کاشان و نطنز)^(۷) به تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۲۶۳/آوریل ۱۸۴۷ در نطنز کاشان متولد شد. در دوران کودکی با میرزا محمدخان غفاری اقبالالدوله همشاگردی و همبازی می بود^(۸) و در سن دوازده سالگی برای تحصیل زبان و ادبیات فرانسه، هنر نقاشی، موسیقی، تئاتر، مهندسی و نظام به فرانسه اعزام شد. پس از تقریباً دو سال در بندر دیپ (Dieppe) که در شمال فرانسه واقع است تحصیلات مقدماتی را به پایان رسانید و به پاریس رفت و در مدرسه صنایع مستظرفه (Ecole beaux Arts) به تحصیل مشغول شد. وی ضمن تحصیل مقالاتی چند در جراید فرانسه نوشت که مورد توجه مقامات علمی قرار گرفت و بعدها مفتخر به عضویت آکادمی فرانسه (Academie Francaise) گردید که باارزش ترین و بزرگترین قدردانی و تشویق علمی فرانسه از افراد محسوب می شود. میرزا علی اکبرخان در تمام دروس خود حتی در ورزش شاگرد اول می بود و پس از خاتمه تحصیل در آن مدرسه به وی پیشنهاد شد که در فرانسه بماند، ولی این پیشنهاد به علت علاقه شدید به بازگشت به وطن مورد قبول او واقع نشد، درضمن چون به علوم نظامی نیز علاقه مفراطی داشت داخل مدرسه نظام سن سیر گردید. از همشاگردیان او در آنجا می توان مرحوم میرزا رضاخان مؤیدالسلطنه را نام برد. او پس از چند سال با نمرات عالی و دریافت تقدیرنامه فارغ التحصیل گشت و به تاریخ ۱۲۸۵/

۱۸۶۸ به اتفاق مرحوم مهندس الممالک و عده‌ای دیگر از محصلین به ایران مراجعت نمود.

جراید فرانسه در آن زمان مقالاتی چند در خصوص شخصیت بارز وی نوشتند. او به قدری در ادبیات و زبان فرانسه متبحر شده بود که او را به «دایرة المعارف متحرک» ملقب نموده بودند.^(۹) در اوایل ورود به ایران در سلک پیشخدمتان مخصوص همایونی، معلم فرانسه و نقاشی ناصرالدین شاه در دربار مشغول به خدمت شد و درضمن در دارالفنون هم به تعلیم نقاشی، زبان فرانسه و بعداً تئاتر و تئوری موسیقی نیز اشتغال جست و پس از فوت مسیو کنستان فرانسوی (M. Constant) که معلم نقاشی دارالفنون بود^(۱۰)، به تاریخ رمضان ۱۲۸۸/۱۸۷۱ به موجب فرمان و دستخط شاه ملقب به نقاشباشی شد و امور آن مرحوم را نیز در دست گرفت. وی در دورانی که علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم بود به درجات سرهنگ و سرتیپ سومی نایل آمد و پس از چندی که علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف شد به درجه سرتیپ دومی ارتقاء پیدا کرد و تا آخر سلطنت ناصرالدین شاه به کار خود در دربار و دارالفنون ادامه داد. شاه بقدری به او علاقمند بود که به وی سپرده بود هر موقع احتیاجی دارد کافی است یادداشتی روی میز شاه بگذارد. «با آن که او از عهده شبیه‌سازی خوب برمی‌آمد چندان توجهی به آن نداشت و دورنما و گل‌سازی را ترجیح می‌داد.»^(۱۱) پرده‌های نقاشی وی در ساختمان پارک اتابک و تا این اواخر در موزه گلستان، اطاق برلیان و بعضی دیگر از کاخهای سلطنتی وجود داشتند و جزو پرده‌های نفیس و ذی‌قیمت به‌شمار می‌رفتند. وی اولین ایرانی است که نقاشی با اصول علمی و به سبک نقاشان فرانسوی را به ایران آورده به شاگردان تعلیم داد. ضمن

این که مزین الدوله هر هفته به ناصرالدین شاه تعلیم نقاشی می داد، به علت علاقه مفرط شاه به این فن و کثرت کار تدریس در دارالفنون، با اجازه شاه یکی از بهترین شاگردان خود را که قبلاً به شاه معرفی کرده بود و کارش مورد پسند قرار گرفته بود برای کمک در تدریس به شاه به دربار می خواهد که او هم هر هفته درمورد تعلیم نقاشی به شاه اقدام و نظارت کند. این شخص مرحوم میرزا محمد غفاری بود که در سال ۱۸۹۱/۱۳۱۰ ملقب به کمال الملک شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. او پس از چندی به پیشنهاد مزین الدوله به ایتالیا اعزام گردید و در بازگشت به وطن بهترین نقاش آن قرن در ایران شناخته شد و با دایر کردن هنرستان صنایع مستظرفه که در سال ۱۹۱۱/۱۳۲۹ به کمک ابراهیم خان حکیم الملک وزیر معارف وقت صورت گرفت، به توسعه آن هنر کمک شایان نمود. ناگفته نماند که درحقیقت اولین هنرستان صنایع مستظرفه ایران که تأثیر اساسی در مملکت گذاشت همین هنرستان بود. از دیگر شاگردان معروف مزین الدوله می توان ابوتراب نقاشباشی^(۱۲) (برادر بزرگ کمال الملک)، میرزا مهدی خان مصورالملک که تصاویر روزنامه شرافت اثر اوست و مرحوم صمصام خان مصورالممالک را نام برد. شخص اخیر مدتها استاد نقاشی دارالفنون می بود.

درضمن چون کسی در ایران نبود که با اطلاع کامل از زبان فرانسه به موسیقی نیز آشنایی داشته باشد، مزین الدوله با مسیو لمر فرانسوی (M. Albert Lemaire) که در دربار ناصرالدین شاه عنوان موزیکانچی باشی داشت و رئیس شعبه موزیک دارالفنون هم بود همکاری کرد. او اولین ایرانی بود که موسیقی با نت را که تا آن زمان در ایران معمول نبود تدریس و پایه گذاری نمود و اولین

کتاب تئوری موسیقی را به سبک جدید با جمله‌های فرانسه و ترجمه آنها به فارسی نوشت و در تاریخ ۱۳۰۱/۱۸۸۳ در دسترس شاگردان قرار داد. درضمن سه کتاب در این رشته ترجمه نمود که متأسفانه به چاپ نرسید: ۱- کتاب هماهنگی (آرمونی)، ۲- کتاب سازشناسی، ۳- کتاب ارکسترشناسی موسیقی نظامی.^(۱۳) ناگفته نماند در اوایل کار، مزین الدوله شخصاً ارکستر سلطنتی را نیز اداره می‌کرد که حامل موزیک مخصوص نقره‌ای رنگ بود که در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا به وسیله ملکه انگلستان هدیه شده بود.^(۱۴) از بهترین شاگردان وی مرحوم غلامرضاخان سالار معزز مین‌باشیان (جد آقای مهرداد پهلبد وزیر اسبق فرهنگ و هنر) بود که در دوران سلطنت رضاشاه به درجه سرتیپی و ریاست موزیک ارتش منصوب گردید و مدرسه عالی موسیقی را بنیان نهاد و در این راه زحمات فراوان کشید.^(۱۵) مزین الدوله در تئاتر هم پیشگام شد و به تشویق ناصرالدین شاه نخستین تئاتر یا تماشاخانه را در مدرسه دارالفنون ساخت و اولین کسی است که «تئاتر را از صورت تعزیه و تقلید خارج کرد و به معنی حقیقی درآورد» و میزانتروپ (Le Misanthrope) تحت عنوان «گزارش مردم‌گریز» و چند اثر دیگر مولیر (Moliere) را ترجمه کرد و به معرض نمایش گذاشت و این هنر را به ایران آورد و پایه‌گذاری نمود.^(۱۶) سید علی نصر جزو بهترین شاگردان وی بود که بعداً در توسعه تئاتر فعالیت بسیار نمود و با بنیان نهادن هنرستان هنرپیشگی باعث ترقی این هنر در ایران گشت.

درضمن مزین الدوله اولین ایرانی است که برای تدریس زبان فرانسه در کشور اقدام کرد و سه کتاب جامع راجع به تعلیم زبان فرانسه شامل افعال، مکالمه و لغت و معنی که شاید اولین دیکسیونر فرانسه به فارسی برای مکالمه

بود نوشت. طبق نظر دکتر عیسی صدیق این کتابها «در اشاعه فرهنگ جدید اروپا در ایران تأثیر فراوان داشتند».^(۱۷) سپس برحسب امر ناصرالدین شاه مشغول تهیه دیکسیونر کاملتری به نام دیامان (Le Diamant) گشت که پس از سی سال زحمت بالاخره در دوران سلطنت احمدشاه به اتمام رسید و دارای ۵۰ هزار لغت بود ولی متأسفانه به دلیل کمبود بودجه دولتی موفق به چاپ آن نشد تا این که برحسب تقاضای سفیر فرانسه در ایران به پاریس فرستاده شد که در آنجا چاپ و مورد استفاده مدرسه زبانهای خارجی قرار گیرد. این کتاب موسوم به «مزیّن اللغة» است. لیست این کتابها در کتاب مطبوعات و اشعار ایران نوین، نوشته پروفیسور براون (Edward G. Browne) در سال ۱۹۱۴م. در دانشگاه کمبریج به طبع رسیده است.^(۱۸) اغلب رجال اواخر دوره قاجاریه از شاگردان کلاس فرانسه وی بودند، من جمله: محمد حسن خان ادیب الدوله (رئیس دارالفنون)، محمد صفی خان ادیب ناظم العلوم (معاون دارالفنون)، رضاقلی خان هدایت نیرالملک ثانی (وزیر فرهنگ)، دکتر غلامرضاخان شیخ طبیب مشهور، آقای سید جلال تهرانی (وزیر پست و تلگراف) و شاهزاده اسدالله میرزا شهاب الدوله (وزیر فرهنگ). از دیگر معلمین معروف فرانسه در دارالفنون مسیو ژول ریشار فرانسوی (M. Jules Richard) بود که به سال ۱۸۴۶ یا ۱۸۴۸م. به ایران آمد و تصمیم گرفت مسلمان شود و در ایران بماند و از آن پس ملقب به میرزا رضاخان شد. او از آغاز کار دارالفنون به تدریس فرانسه مشغول گردید، و در ضمن انگلیسی هم تدریس می کرد و مرد عالمی بود. در اواخر سال ۱۲۸۸/۱۸۷۱ از طرف شاه لقب خانی گرفت. معروف است وی اولین کسی است که صنعت عکاسی را در زمان

محمدشاه به ایران آورد.^(۱۹) پس از فوت او پسرش یوسف ریشارخان مؤدب الملک به تدریس فرانسه ادامه داد.^(۲۰)

مرحوم مزین الدوله در دوران سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳/ ۱۸۹۶-۱۹۰۷) و بخصوص در دوره زمامداری محمدعلی شاه (۱۳۲۷-۱۳۲۴/ ۱۹۰۷-۱۹۰۹) به دلیل نارضایتی از اوضاع کمتر به دربار می‌رفت ولی سرپرستی ملک منصور میرزا شعاع السلطنه (پسر مظفرالدین شاه) و تدریس به او را متقبل شد و در سال ۱۳۱۵/۱۸۹۷ با درجه سرتیپ اولی به دریافت لقب مزین الدوله مفتخر گشت. و چندی بعد به تاریخ ۱۳۱۹/۱۹۰۱ که شعاع السلطنه برای بار اول حاکم فارس شد به سمت معاونت او به شیراز رفت.^(۲۱) از اقدامات وی در آنجا ساختن مقبره‌ای برای حافظ بود که در کتیبه آن اشعار زیر را دانشمند و شاعر معروف میرزا محمد نصیر حسینی شیرازی فرصت الدوله سروده است:

به عهد خسرو عادل مظفرالدین شاه

به امر زاده آزاده اش ملک منصور

خردپژوه مهندس مزین الدوله

بریخت طرح و بداد این اساس را دستور

بد از هزار و سه صد نوزده فزون کاورد

شعاع السلطنه این طرفه بقعه را بظهور^(۲۲)

ضمناً به دستور مزین الدوله طرفین ساختمان کریم خان زند را با اشعار حافظ تزیین کردند که وضع آبرومندتری پیدا کرد. پس از حدود دو سال به علت مشکلاتی که شعاع السلطنه و اطرافیانش در فارس ایجاد کردند به تهران مراجعت نمود و در بازگشت سرپرستی و تدریس حشمت الدوله پسر شعاع السلطنه و دیگر

شاهزادگان مقرب دربار را متقبل شد. در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا در سال ۱۳۲۳/۱۹۰۵ جزو ملتزمین رکاب شاه و سرپرست شاهزادگان می‌بود. عبدالله مستوفی پس از ذکر شرحی راجع به سواد و نزاکت این شاهزادگان در ضیافتی که تزار روسیه به افتخار مظفرالدین شاه داده بوده است می‌نویسد: «اینها همه در اثر زحماتی است که میرزا علی اکبرخان نقاشباشی مزین الدوله کشیده است».^(۲۳) در آن دوران که مزین الدوله تدریس در دارالفنون را به مدت چند سالی رها کرد و به ملازمت شعاع السلطنه مشغول بود، مرحوم غلامحسین افضل‌الملک تاریخ‌نویس معروف او را این‌طور معرفی می‌کند: «میرزا علی اکبرخان نقاشباشی، سرتیپ اول... که از دانشمندان این عصر و در متون و کمالات خارجه بخصوص زبان فرانسه و صنعت نقاشی، اول استاد است، این اوقات حسب‌المقرر به خدمت نواب مستطاب اشرف والا، شاهزاده معظم، شعاع السلطنه مشغول هستند؛ و در آن اداره از اکابر قوم و صنادید رجال می‌باشند... و الحق شاگردان ماهر از تعلیم این دانشمند از مدرسه دارالفنون دولتی بیرون آمد... الحق شخصی محترم و وجودی مغتنم است».^(۲۴)

مزین الدوله در دوران سلطنت محمدعلی شاه به دربار نرفت و مجدداً به تدریس در دارالفنون مشغول گشت و به ریاست مدرسه علمیه که بعد از دارالفنون از بزرگترین مراکز علمی ایران بود و قبلاً مرحوم مهدی‌قلی‌خان حاج مخبرالسلطنه هدایت^(۲۵) رئیس آن بود نائل آمد. پس از خلع محمدعلی شاه، رجال مملکت سعی بسیار داشتند که احمدشاه جوان با تربیتی نوین و عقایدی دموکرات آشنا شود چرا که دوران محمدعلی شاه خاطرات تلخی بجا گذاشته بود. بدین دلیل برحسب تصمیم متخذه از طرف مرحوم میرزا حسن‌خان

مستوفی الممالک (وزیر دربار وقت)، میرزا حسین خان مشیرالدوله (پیرنیا)، ابراهیم خان حکیم الملک (حکیمی)، میرزا حسن خان مؤتمن الملک و لقمان الملک (رئیس دربار و طبیب شاه)، کلاس درس مخصوص در یکی از عمارات سلطنتی واقع در کاخ گلستان برای تعلیم و تربیت احمدشاه و برادرش محمدحسن میرزا ولیعهد به وجود آوردند و مزین الدوله را با درجه امیرتومانی به ریاست آن کلاس که حدود ۱۵ شاگرد داشت انتخاب کردند. مورخ الدوله سپهر این کار را اولین اقدام اساسی در شروع سلطنت احمدشاه می‌داند.^(۲۶) درضمن معلمینی آزادیخواه برای تدریس دروس مختلف آن کلاس به کار گماشته شدند و دو نایب السلطنه شاه، علیرضاخان عضدالملک و ابوالقاسم خان ناصرالملک از هرگونه کمکی به این دستگاه دریغ نمی‌کردند. این معلمین عبارت بودند از مرحوم محمدعلی فروغی ذکاءالملک (پسر میرزا محمدحسین ذکاءالملک) در رشته تاریخ، امیر سهام‌الدین غفاری ذکاءالدوله (پسر میرزا نظام‌الدین مهندس الممالک) در ریاضی، میرزا محمد غفاری کمال‌الملک (پسر میرزا بزرگ کاشانی نقاش قابل) در نقاشی، صادق خان گرانمایه صادق السلطنه (پسر میرزا رضاخان مؤید السلطنه) در علوم نظامی، عباسقلی خان ممتاز همایون (پسر علی اکبر آقا مکرّم السلطنه آذربایجانی) در مشاورت معلومات عمومی، ابوالحسن خان فروغی (برادر محمدعلی فروغی ذکاءالملک) در علوم طبیعی و مسیو دمورنی فرانسوی (M. G. Demorgny)^(۲۷) در حقوق مدنی.

تعلیم زبان فرانسه به وسیله خود مزین الدوله انجام می‌شد. درضمن کاپیتانی روسی به اسم اسمیرنوف (Smirnoff) به عنوان تعلیمات نظامی سالی چهار یا پنج بار خود را معرفی می‌نمود ولی مأموریت اصلی او باخبر شدن از

اوضاع دربار احمدشاه، رجال و اطرافیان او و بالاخره اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران بود. داستان این شخص از این قرار است که او قبل از تشکیل این کلاس مخصوص به شاه درس روسی می‌داده است و زمانی که این کلاس تأسیس می‌شود به دستور حکیم‌الملک که مأمور اصلاح دربار بود به معلمی وی خاتمه داده می‌شود. روسها از این جریان ناراحت شده به وسیله سفیر خود پیغام می‌دهند در صورتی که اجازه داده شود که او لااقل هفته‌ای یک ساعت به شاه تعلیم دهد، آنها متقابلاً نصف قشون خود را که به قزوین هم رسیده بود از کشور خارج خواهند نمود. بزرگان قوم از این که اهمیت این معلم به ظاهر ساده، برای دولت روسیه با حضور نصف قشون آن دولت برابری می‌کرده است بسیار متعجب می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که در صورت قبول کردن آن پیشنهاد، درحقیقت نصف ارتش روس مقیم در ایران را ر دربار شاه مستقر خواهند کرد و بدین جهت جواب منفی می‌دهند.^(۲۸)

در آن زمان مزین‌الدوله کتابی راجع به طرز رفتار، کردار و گفتار سلاطین برای اداره کردن کشور از نوشته‌های فضلا و دانشمندان کشورهای مختلف جمع‌آوری کرد و به زبان فرانسه نوشت و آن را اغلب برای شاه می‌خواند. ولی از این که شاه بیشتر به خواندن رمان علاقه نشان می‌داد تا به شنیدن نصایح و دستورات بزرگان متأثر بود. پس از پنج سال آن کلاس تعطیل شد و مزین‌الدوله به ژنرال آجودانی احمدشاه مفتخر گردید و به دریافت درجه امیر نویانی و مرتبه جنابی نائل آمد و تا آخر سلطنت وی در این سمت باقی بود و شاه اغلب در موارد مختلف با وی مشورت می‌کرد و به قدری مورد احترام شاه بود که شاه او را پدر دانشمند خود می‌نامیده است.^(۲۹)

از جمله اقدامات وی در آن زمان این بود که در قحطی تهران، پس از جنگ اول (در سال ۱۹۱۸م) در راضی کردن احمدشاه برای فروش غله املاک خود کوشش فراوان نمود تا تعداد تلفات به حداقل برسد و بیش از آن برای شاه بدنامی به وجود نیاید. زیرا عده‌ای از اطرافیان شاه به وی راهنمایی کرده بودند که بهتر است گندم خود را در انبارها نگهداری کند تا قیمت بیشتر شود. شاه که در فروش تأخیر می‌نمود، مدتی به احمد علاف معروف شده بود تا این که بالاخره ارباب کیخسرو شاهرخ که از طرف دولت مأمور خرید غله بود محصول اراضی احمدشاه را که برخلاف شایعات، حجم چندانی نداشت خریداری کرد.

مزین الدوله علاقمند بود کتبی راجع به علوم نظامی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کند ولی متأسفانه امور درباری، تدریس و تهیه کتابهای مختلف دیگر به وی فرصت انجام این کار را نداد. او عموماً از مسئولیت سیاسی روگردان بود و بدان تن در نمی‌داد و بعلاوه کمتر ممکن بود درخواستی از شاه یا درباریان دیگر بکند. به واسطه خدماتش و مسافرتها یی چند که در دوران زمامداری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به دربار ناپلئون سوم پادشاه فرانسه (Louis Napoleon III)^(۳۰)، فرانسوا ژوزف پادشاه اتریش (Francois Joseph I)، ویلهلم امپراتور آلمان (Friedrich Wilhelm II)^(۳۱) و چندین کشور دیگر کرد به اخذ نشانهای مختلفی نائل گردید که ارزنده‌ترین آنها از این قرار است:

از ایران نشان مکمل درجه یک شیر و خورشید، نشان درجه یک خارجه و حمایل سبز و نشان درجه یک علمی، از خارجه نشان درجه دو عقاب آلمان، نشان درجه یک تاج لیاقت آلمان، نشان درجه دو فرانسوا ژوزف اتریش و نشان نظامی ستاره فرانسوا ژوزف، نشان درجه دو لئوپولد بلژیک (Leopold) از نوع

نظامی)، نشان درجه دوست استانیسلاس روسیه (St. Stanislas)، نشان افسیه لژیون دونور فرانسه (Legion d'honneur Officer) و نشان درجه یک فرهنگ و علوم فرانسه، افسیه دولستروکسیون پوبلیک (Officer de l'Instruction Publique).

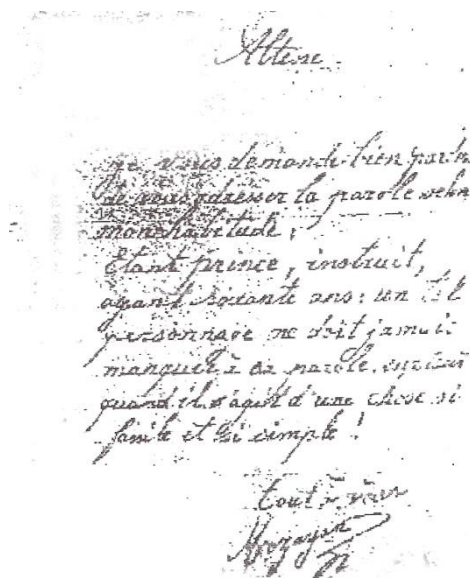
پس از برکناری احمدشاه (۱۳۰۴ شمسی / ۱۹۲۵)، با وجود اظهار علاقه رضاشاه به آمدن او به دربار و دو بار فرستادن مرحوم عبدالحسین خان تیمورتاش معززالملک وزیر دربار به منزل مزین الدوله، وی به دلیل متجاوز از شصت سال خدمت در دوران سلسله قاجار، در سلسله جدید حاضر به قبول پست نشد و با ذکر این که حال نوبت فرزندان من است که به این دودمان خدمت کنند، از رفتن به دربار خودداری نمود. بدین ترتیب خدمات دانشمندی را که محقق معروف آقای علی آذری به عنوان «نخستین دبیر فرانسه، موسیقی با نیت، نقاشی با اصول علمی و ایجادکننده تئاتر در ایران» معرفی می‌کند به پایان می‌رسد. مزین الدوله در تاریخ ۱۳۱۱ ش/دسامبر ۱۹۳۲م. بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت و آقای محمود هدایت ماده تاریخ ذیل را در فوت آن مرحوم سرود که بر سنگ آرامگاه وی نوشته شده است:

آسمان جلال و علم و هنر
 کان فضل و کمال و فخر و تبار
 علی اکبر مزین الدوله
 زیب دربار دوره قاجار
 در طریقت سپهر سیر و سلوک
 در حقیقت مظاهر الانوار

فکر و رأی وزین او می بود
 در همه عمر کاشف الاسرار
 ای دریغا که این سپهر کمال
 در دل خاک تیره یافت قرار
 سزد ار مام دهر خون گرید
 زین مصیبت الی الابد زنهار
 سال عمرش رسید قرب نود
 تا که شد سوی کعبه دلدار
 بیست و سوم بد از مه آذر
 سیصد و یازده ز بعد هزار^(۳۲)

اینک متن دستنویس مزین الدوله به زبان فرانسوی:

مزین الدوله در رک گویی و روشن کردن حقایق و مطالبی که به نظرش مهم و به صلاح مملکت می آمد بین آشنایان معروف بود. در اینجا چرکنویس نامه ای را که به یکی از شاهزادگان مقرب دربار نوشته است عیناً درج می نماییم. این نامه راجع به درخواست مزین الدوله راجع به رسیدگی به حال شخصی است که بدون جهت مورد ظلمی قرار گرفته بود. از قرار معلوم با وجود این که آن شاهزاده به وی قول داده بود که به موضوع رسیدگی کند، عملی انجام نداده بوده است.



ترجمه:

«والاحضرتا

از شما پوزش می‌طلبم که به عادت و رسم همیشگی خودم مکاتبه می‌کنم. شاهزاده هستید، تحصیلاتی دارید و شصت سال از عمرتان می‌گذرد؛ چنین شخصیتی هرگز نباید در گفته خود کوتاهی کند، مخصوصاً که موضوع آنقدر سهل و ساده باشد. ارادتمند شما، مزین»

این نوشته نیز برگی از نصیحت‌نامه‌ای است که مزین الدوله به خط خود نوشته و آن را برای احمدشاه می‌خوانده است:

*Regardez chaque jour de votre
vie comme une page de votre
histoire et prenez garde qu'il
n'y soit rien écrit d'indigne
de la postérité!
Meng-Bien a dit:
Le bienfaiteur n'est jamais
oublié dans le monde et a
une vie éternelle.*

«هر روز از عمر خود را مانند ورقی از تاریخ زندگانی خود بدانید و متوجه باشید ناشایستگی برای آیندگان در آن ضبط نشده باشد. مانگ اسو گفته است: مرد نیکوکار هرگز در دنیا فراموش نمی شود و عمر جاودانه دارد.
نیامد کس اندر جهان کو بماند
مگر آن کز او نام نیکو بماند».

یادداشتها:

۱. درمورد به قدرت و به سلطنت رسیدن آقامحمدخان قاجار تاریخهای مختلفی ارائه شده است من جمله: ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۹۴ و ۱۷۹۵ میلادی. در کتب فارسی هم تاریخها یکسان نیست، مثلاً ۱۱ جمادی الثانی ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۹ قمری و نوروز ۱۲۱۰ ق). در این مورد می توان به کتابهایی مانند (Rouhollah Ramazani: *The Foreign Policy of Iran 1500-1941*) و کتاب «تاریخ کامل ایران» تألیف دکتر عبدالله رازی مراجعه کرد. درضمن آغاز سلطنت فتحعلی شاه را هم بعضی سال ۱۷۹۷ و برخی ۱۷۹۸ میلادی ذکر کرده اند. اما اکثراً با تاریخ اول موافقت.
۲. میرزا بزرگ قائم مقام پسر میرزا حسین فراهانی است که شخص اخیر در نیمه آخر سلطنت زندیه بسیاری از امور مملکتی را در دست داشت و مردی لایق و عادل بود. درضمن میرزا بزرگ قائم مقام پدر میرزا ابوالقاسم فراهانی قائم مقام ثانی است که شخص اخیر در دوران سلطنت محمدشاه به

منصب صدارت رسید ولی به تاریخ ۱۸۳۵/۱۲۵۱ به دستور شاه و به دست اسماعیل خان قراچه‌داغی فراشباهی به قتل رسید. او وزیری قابل و از بزرگترین نویسندگان قرن خود می‌بود. در کتاب خلسه اعتمادالسلطنه شرح جالبی از او وجود دارد.

۳. دکتر اردکانی، دومین کاروان معرفت، «مجله یغما» بهمن ۱۳۴۴.

۴. ابوطالب غفاری کاشانی ملقب به فرخ‌خان که در سال ۱۸۵۸/۱۲۷۵ لقب امین‌الدوله گرفت در آغاز کار سمت پیشخدمت مخصوص در دربار فتحعلی شاه را داشت. پس از مراجعت از سفر فرانسه به وزارت حضور و مَهرداری مَهر مبارک مفتخر گردید. سپس وزارت داخله که فوق جمیع وزارتخانه‌ها می‌بود به او سپرده شد. و در آن وقت که ناصرالدین شاه برای مدتی صدر اعظم نداشت، درحقیقت مرد شماره یک مملکت بود. سپس وزیر دربار شد و او بود که باعث ترقی دیگر افراد خانواده خود گشت. رجوع شود به: حسین سعادت نوری، رجال دوره قاجاریه، «مجله وحید»، شماره اول تا پنجم از سال سوم.

۵. دکتر عیسی صدیق، به سوی تحول جدید، کتاب «ایران‌شهر» جلد ۱، صفحه ۳۵۷.

۶. «ایران‌شهر»، جلد ۱ و ۲، صفحات ۳۵۷ و ۱۱۹۸، مقدمه کتاب «مخزن‌الوقایع» به قلم حسنعلی غفاری معاون‌الدوله ثانی. این کتاب تألیف حاجی میرزا حسین‌خان سرابی متخلص به گرانمایه (پسر عبدالله سرابی) می‌باشد. [از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۴ به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی].

۷. متأسفانه به دلیل ازبین رفتن تمام مدارک خانوادگی در انقلاب اخیر ایران، ذکر شرح جامعی راجع به میرزا حسین‌خان مقدور نیست. تا آنجا که در خانواده ما مشهور است این شخص و میرزا حسین غفاری کاشانی (عموی فرخ‌خان امین‌الدوله) پسر سوم از ده پسر میرزا احمد غفاری هردو یک نفرند. لیکن این موضوع در خانواده غفاری مشهور نبوده و نام مزین‌الدوله جزو شجره‌نامه ایشان ضبط نگردیده است. امکان دارد به دلیل آن که مزین‌الدوله در دوران کودکی کاشان را ترک گفته و دیگر به آنجا مراجعت نکرده، پس از فوت پدر فراموش شده باشد، کما اینکه او تا اواخر عمر حتی از املاک خود در کاشان مطلع نبود تا این که روزی مرحوم اقبال‌الدوله که از شکار در کاشان مراجعت می‌نمود، به وی می‌گوید در آنجا دهی دیده است به اسم علی‌آباد یا اکبرآباد که معروف بوده به مزین‌الدوله تعلق داشته، دو موضوع قابل توجه دیگر یکی استعداد او در هنر نقاشی بود که در خانواده غفاری مکرر دیده شده و دیگری آن که معروف است مرحوم مهندس‌الممالک از اقدام او درمورد انتخاب لقب خویش به عنوان نام فامیل رنجیده‌خاطر گشته است. ضمناً آقای علی آذری در مقاله‌ای که ۲۱ سال قبل نوشته شده، به نسبت مزین‌الدوله با آن خانواده اشاره می‌کند. درضمن

- ناگفته نماند که بیشتر شاگردانی که فرخ خان برای اعزام به خارج انتخاب کرد از منسوبانش بودند. البته منظور او از این عمل تشویق دیگر خانواده‌ها در این امر بوده نه غرض شخصی.
۸. م. س. علی آذری، علی اکبر خان نقاشباشی، «مجله پیام نوین»، سال پنجم (مهرماه ۱۳۴۲) به کمک مرحوم تیمسار سرتیپ مظفر مزینی. در صفحه ۳ آن مقاله اشتباهاً غلامحسین خان غفاری صاحب اختیار را هم‌شاگردی مزین الدوله ذکر کرده‌اند در صورتی که او دوازده سال جوانتر می‌بود. صاحب اختیار برادر کهنتر اقبال الدوله، پسر هاشم خان امین خلوت ناصرالدین شاه بود.
۹. همان مقاله.
۱۰. مسیو کنستان فرانسوی به وسیله امیرنظام گروسی استخدام شد و با اولین گروه از ۴۲ تن دانشجویان ایرانی که در سال ۱۸۶۳/۱۲۸۰ به وطن مراجعه کردند به ایران آمد و حدود ۸ سال بعد درگذشت. قابل توجه است که ناصرالدین شاه به زبان فرانسه و فن نقاشی علاقه بسزا داشته و در آنها مهارت و معلومات نیز داشته است. رجوع شود به «تتمیم تاریخ نگارستان» تألیف قاضی احمد. این محمد غفاری کاشانی، متولد به سال ۱۴۹۵/۹۰۰ و متوفی به سال ۱۵۶۸/۹۷۵، به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، صفحه ۴۹۳. ناصرالدین شاه آموزش نقاشی را با صنایع الملک شروع و با مزین الدوله کامل کرد.
۱۱. دوستعلی خان معیرالممالک، «رجال عصر ناصری»، صفحه ۳۷۵. پنج پرده و دو کار مدادی وی تا قبل از انقلاب اسلامی نزد نگارنده و دوستان موجود بود که متأسفانه به غارت رفت.
۱۲. رجوع شود به مقاله آذری و کتاب «ایران‌شهر» صفحه ۱۱۹۸. در آنجا اشتباهاً لقب ابوتراب را کمال الملک منظور داشته‌اند. از قول مزین الدوله نقل شده که اگر مرحوم ابوتراب بقای عمر می‌داشت و تعلیمات لازمه را می‌گرفت، بر کمال الملک نیز برتری پیدا می‌کرد. مزین الدوله خود در پاریس شاگرد ژان اگوست انگر (Jean Auguste Ingres) بوده که از بزرگترین نقاشان قرن نوزدهم به حساب می‌رود.
۱۳. حسینعلی ملّاح، «تاریخ موسیقی نظامی ایران» صفحه ۱۱۴ و ۱۳۵. مسیو لمر در سال ۱۸۶۸ به ایران آمد، که درس موسیقی نظام بدهد و در سال ۱۹۰۷ فوت شد.
۱۴. علی اصغر شمیم، «ایران در دوره سلطنت قاجار»، صفحه ۳۳۱.
۱۵. «ایران‌شهر» صفحه ۱۱۹۸؛ و سری مقالات چاپ انجمن تاریخ، تحت عنوان «مزین الدوله» به کوشش تیمسار سرلشکر منصور مزین، صفحه ۵۶.

۱۶. عباس پرویز، «تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران»، جلد سوم، صفحه ۳۵۷، دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی، «بنیاد نمایش در ایران»، صفحه ۱۵۹ «ایران‌شهر»، جلد اول و دوم، صفحات ۹۱۷ و ۱۱۹۸. این تماشاخانه یا تئاتر که پس از مراجعت ناصرالدین شاه از سفر اولش به اروپا ساخته شد، در حقیقت یک محل خصوصی برای استفاده شخص پادشاه و عده‌ای معدود از درباریان بود و تا سال ۱۳۰۸ شمسی / ۱۹۲۹ بجا بود تا این که ضمن تجدید بنای دارالفنون خراب شد. مزین‌الدوله گاهی مشکلات مملکت را در پی‌های مختلف تئاتر می‌گنجاند تا شاه را متوجه آنها سازد.

۱۷. «ایران‌شهر»، صفحه ۳۵۵ و ۱۱۹۷.

۱۸. Edward, G. Browne, *Press and Poetry of Modern Persian*, p. 158.

۱۹. اقبال یغمایی، مدرسه دارالفنون، «مجله یغما»، شهریور ۱۳۴۹. وی در آنجا می‌نویسد: ناصرالدین شاه «به عکاسی هم که به زمان پدرش به ایران راه یافته بود مایل بود». صفحه ۳۶۱. درضمن رجوع شود به: مدرسه دارالفنون، «مجله یغما»، شهریور ۱۳۴۸؛ «مجله بین‌المللی تاریخ عکاسی» (اکتبر - دسامبر ۱۹۸۳)، تألیف خانم دونا استاین. *History of Photography - an international quarterly*. (Oct-Des 83: Donne Stein) صفحه ۲۵۹. در این مورد آقای جهانگیر قائم‌مقامی می‌نویسد: دوربین عکاسی در سال ۱۸۴۹ اختراع شده است و لاقط چند سالی وقت لازم بوده که به کشورهای دیگر برسد. درضمن بر آن عقیده است که عکاسی به وسیله دو فرانسوی به نامهای کارلبه (carlbiée) و الوک وی (Aloquevikle) که جزو هیأت نظامی فرانسوی که در معیت فرخ‌خان امین‌الدوله برای تنظیم ارتش ایران آمده بودند، در ایران رواج پیدا کرده است به سال ۱۸۵۷/۱۲۷۴. رجوع شود به مقاله «ورود عکاسی به ایران»، «یادگارنامه حبیب یغمایی»، زیر نظر ایرج افشار، صفحه ۲۸۲-۲۷۹. قابل توجه است که لقب «عکاسباشی» برای اولین بار از طرف ناصرالدین شاه در سال ۱۸۶۳ به آقا رضا اقبال‌السلطنه آجودان مخصوص ناصرالدین شاه داده شده است. او پسر حاج آقا اسماعیل جدید الاسلام پیشخدمت سلام فتحعلی شاه و برادر بزرگ میرزا علینقی حکیم‌الممالک بود. رجوع شود به «مجله تاریخ عکاسی»، و حسین سعادت نوری، رجال دوره قاجاریه، «مجله یغما»، دی ۱۳۴۶. اشخاص دیگری نیز بعداً صاحب لقب عکاسباشی شدند، من جمله میرزا حسنعلی‌خان، یوسف خان و حبیب‌الله خان عضدالسلطان.

۲۰. مقاله: مدرسه دارالفنون، «مجله یغما»، شهریور ۱۳۴۸.

از دیگر اساتید معروف قدیم و جدیدتر دارالفنون می‌توان میرزا محمدحسین فروغی ذکاءالملک معلم تاریخ، میرزا رضاخان مهندس‌الملک معلم ریاضی، میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله مشهور به

منجم‌باشی (پسر میرزا علی محمد اصفهانی) معلم ریاضیات و نجوم، میرزا محمد علی خان فروغی ذکاءالملک، مرد سیاسی و دانشمند عالیقدر که بعدها به صدارت رسید معلم تاریخ، مترجم السلطنه زرین‌قلم، بدیع‌الزمان فروزانفر، میرزا غلامحسین خان رهنما معلم جغرافیا و میرزا عبدالعظیم خان قریب معلم ادبیات فارسی را نام برد.

۲۱. غلامحسین خان افضل‌الملک، «افضل التواریخ»، صفحه ۱۹۸، شعاع السلطنه دو بار حاکم فارس شد که بار دوم در سال ۱۳۲۳/۱۹۰۵ بود. در این مأموریت به دلیل دست‌اندازی به املاک خالصه، بیش از بار اول تولید ناراحتی و اغتشاش کرد و مجبور به ترک آن منطقه گردید. در مراجعت به تهران به وزارت عدلیه منصوب گشت و لقب جهان‌مدار گرفت! رجوع شود به ناظم‌الاسلام کرمانی، «تاریخ بیداری ایرانیان»، صفحه ۶۳، ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲۲. دکتر بهمن کریمی، کتاب «راهنمای آثار تاریخی شیراز»، صفحه ۱۷؛ علینقی بهروزی، «بناهای تاریخی و آثار هنری شیراز»، صفحه ۷۲.

۲۳. عبدالله مستوفی، «شرح زندگانی من»، جلد دوم، صفحه ۱۴۳.

۲۴. «افضل التواریخ»، صفحه ۱۹۸.

۲۵. مرحوم حاج مخبر السلطنه هدایت متولد به سال ۱۲۸۰/۱۸۶۳ پسر مرحوم مخبرالدوله بزرگ بود. در اوایل کار چندی در دارالفنون سمت استادی داشت، بعدها چندین بار به حکومت آذربایجان گماشته شد و چندین مرتبه به وزارت و صدارت رسید. وی از مردان سیاسی و دانشمندان بزرگ قرن پیش بود و مؤلف کتابهای متعددی من جمله در تاریخ و تئوری موسیقی است.

۲۶. مورخ‌الدوله، «ایران در جنگ بزرگ»، صفحه ۳۲؛ دکتر مهدی ملکزاده، «تاریخ مشروطیت ایران»، جلد ۷، صفحه ۳۰۲ و ۳۰۳؛ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، سیمای حقیقی احمدشاه، «مجله یغما»، فروردین ۱۳۵۴. در این نوشته‌ها مزین‌الدوله را مردی «خوشنام، محبوب و آزادمنش» معرفی می‌کنند.

۲۷. مسیو دمورسی در سال ۱۹۱۱ به ایران آمد و در امور مدنی به وزرا نیز کمک می‌کرد و حدود سه سال در ایران ماند. قابل توجه است که مورخ‌الدوله سپهر می‌نویسد بعداً معلمین دیگری از فرانسه استخدام شدند که دروس مختلف را به شاه تدریس نمایند. این موضوع صحت ندارد. درضمن او در صفحه ۳۲ کتاب خود عکسی از احمدشاه جوان و پیشخدمتهای مخصوص دربار و خدمه دارد و آن عده را معلمین کلاس احمدشاه معرفی نموده است در صورتی که از آن گروه بیست و چند نفری فقط دو یا سه نفرشان حزو معلمین بودند. ضمناً برخلاف گفته مورخ‌الدوله سپهر، آقایان

مدحت و مشار معلم شاه نبودند گرچه بسیار باسواد و از پیشخدمت‌های مخصوص بودند. رجوع شود به «ایران در جنگ بزرگ»، صفحه ۳۲ و ۳۳.

قبل از صادق‌السلطنه، برادر وی ابوالحسن خان گرانیامیه و مدت کوتاهی سالار لشکر فرمانفرمائی‌ان معلمین درس نظام بودند. ابوالحسن خان به مراتب از آن دو نفر دیگر عالم‌تر و در علوم نظامی واردتر بوده است. بعداً مشیرالدوله مدتی رئیس مدرسه نظام شد.

۲۸. دکتر شیخ‌الاسلامی، سیمای حقیقی احمدشاه، «مجله یغما»، فروردین ۱۳۵۴.

۲۹. رجوع شود به مقاله علی اذری.

۳۰. در کتاب «رجال عصر ناصری»، تألیف دوستعلی‌خان معیرالممالک آمده است که در موقعی که جنگ پروس و فرانسه اعلام گشت، مزین‌الدوله در ضیافتی در کاخ ورسای (Versailles) بوده و اعلام آن خبر مجلس را به هم می‌ریزد. این جنگ به تاریخ ۱۸۷۰ شروع شد. ظاهراً اولین سفر او به فرانسه باید در این تاریخ انجام شده باشد. او پس از آن، چندین سفر دیگر به فرانسه و کشورهای دیگر اروپایی کرد.

۳۱. ابراهیم صفایی، «اسناد نویافته» سند شماره ۳۷، صفحه ۱۸۰، آن سفر در سال ۱۸۹۸/۱۳۱۵ انجام گرفته است.

۳۲. این شعر در مقاله چاپ شده از طرف انجمن تاریخ، در صفحه ۶۶ به ثبت رسیده است.